

دیباچه

نمیدانید من چقدر باین کتاب مدیونم! زندگانی عقلی و روحی
عقلی من فقط نتیجه مطالعه این مجموعه نفیسی است که امروز فارسی
آن بشما تقدیم میشود

کتاب اعتماد بر نفس اولین کتابی است که روح مرا تکان داد
و از سبات بطالت و لاقیدی و تنبلی که شالوده زندگانی ایام صباوت من
بود بیرون کشید

کتاب خیلی نوشته میشود. کتابهای خوب، مفید، شیرین و
دلپذیر است ولی کتابهایی که بعمق روحیات شما فرورود و تطور محسوسی
در افکار شما ایجاد کند و بعد از خواندن آن تغییر محسوسی در طرز
تفکر و بالنتیجه در خط مشی زندگانی خود مشاهده کنید کم است

کتاب «Self help - یاری خود» سموئیل سمیلز (۱)
بعقیده بنده یکی از آنهاست. بعد از مطالعه و ترجمه آن در سال ۱۳۳۳
هجری قمری این عقیده در من راسخ تر شد زیرا در طی نوشتجات منورین
و فضلاء مصری مشاهده کردم یک حس قدردانی زیادی نسبت باین کتاب
موجود و حتی یکی از عوامل نهضت فکری خود آنرا محسوب داشته اند
در این کتاب از طلا کردن مس یا حاضر کردن ارواح مردگان

یا تسخیر اجنه چیزی نیست

(۱) سموئیل اسمیلز Samuel Smiles در ۱۳ دسامبر ۱۸۱۲ در هدتکتن
(اسکاتلند) تولد شده و بدو بقن جراحی مشغول و مدتی در شهر لیدز (انگلیس) بدان
ممارست داشت. بعد مدتی سردبیری یکی از جرائد گردید و پس از آن سمت سکرتیر در دو کلبانی راه
آهن مستخدم گردید پس از چندی از کار کناره گرفته و بتألیف پرداخت کتابهای
زیادی نوشته است که همه آنها در تهذیب و تربیت اخلاقی است و شاید این کتاب بهترین آنها
باشد - در ۱۶ آوریل ۱۹۰۴ وفات کرد

همچنین در اینجا از فلسفه و فیزیک و شیمی و سایر علوم طبیعی یا فنون ریاضی صحبت نمیکند

این کتاب میخواهد خواننده را بزندگانی عملی و بحیات حقیقی دنیا نزدیک و با شواهد و ادله بار بفهماند که نزدیکترین راهی برای وصول بسعادت و برای موفق شدن در جنگ زندگانی اعتماد بر نفس است از اول کتاب تا آخر آن فقط این فکر تعقیب میشود که قسمت اعظم سعادت و یا شقاوت بشر مربوط بخود آنهاست : مربوط بسعی و مجاهدت ، مربوط به ممارست و تمرین ، مربوط باستقامت و قوه اراده خود شخص است

این نظریه معززااست بدلائل و شواهد تاریخی ، سیره رجال بزرگ علم و سیاست ، مکتشفین و مخترعین ، متمولین و شعراء بزرگ و بطوری این شواهد زیاد است که بعد از خواندن آن عقیده شما بصدقه و اتفاق ، بقضا و قدر سست و بقوای ذاتی و فضایل روحی بیشتر میگردد .
بعقیده من یکی از بهترین کتابهایی است برای مطالعه ایرانیان .
طبقه منور و مذهب ما موظفند از این قبیل افکار و مولفات را زیاد در جامعه منتشر و تبلیغ نمایند زیرا در زمینه اخلاقی و فضائل نفسی جامعه ما خلا مهیب و بزرگی موجود است : افکار صوفیانه ، ضعف نفس ، تلون و عدم استقامت و ثبات ، انکاء بغير ، انتظار کمک و مساعدت از دیگران بر جامعه مستولی و درست نقطه ضد مللی هستیم که این کتاب از افراد آنها بحث میکند

ما از هر حیث عقب و متاخریم و بد بختانه در اخلاق که قوه و اهمیت آن در عالم اجتماع و در ترقی ملل و تقدم افراد بیش از هر چیزی و بمنزله شالوده سایر قوای مولد تمدن و بزرگی ملل است بیش از همه ضعیف هستیم : پس باید مساعی طبقه منورین در این نقطه بیشتر باشد و متاسفانه کمتر کتابی از این طرز در جامعه نشر شده است

ونکته قابل تعجب این است که همین کتاب تا کنون چندین مرتبه در ایران ترجمه شده است و موفق باتمام و نشر کامل آن نشده اند : در جریده تربیت که بقلم مرحوم ذکاء الملک نوشته میشد يك قسمت آن ترجمه و چاپ شده است . در یکی از جرائد عهد مظفرالدین شاه که بدبختانه اسمش را نیز فراموش کرده ام اندکی از آن نشر شد که شاید يك فصل آن نیز باتمام نرسیده باشد . در شش نمره مجله آفتاب که تقریباً چهارده سال قبل در اصفهان نشر میشد در تحت عنوان « وسائل رستگاری » قریب سه فصل آن ترجمه و نشر گردید و چهار سال قبل در پا ورقی میهن هفتگی ترجمه خود بنده تا فصل . . . آن منتشر گردید این کتاب را بنده ده سال قبل ترجمه کردم و در پنجشنبه ۲۵ شعبان ۱۳۳۳ از ترجمه آن فارغ شدم ولی آن ترجمه قدری کتاب را خلاصه کرده بود لذا امروز با همه گرفتاری و اشتغال ، نظر به تقاضای اداره کنندگان مجله تعلیم و نظر باحساس لزوم نشر این کتاب بترجمه آن مبادرت شد و امیدواریم مثل سایر دفعات طبع کتاب نیمه کاره نماند

طهران ۲۰ رمضان ۱۳۴۳ - ۲۵ فروردین ۱۳۰۴

علی دشتی

شؤء شگاد علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فصل اول

اعتماد بر نفس

قیمت هر مملکتی متوقف بر قیمت افراد آن
کشور است

(۱) ستواتر مل

ما بقوانین یش از اندازه لزوم اهمیت
میدهیم و بانسان کمتر

(۲) دزرائیلی

اعتماد بر نفس اساس هر رستکاری و هر پیشرفتی است. اگر اکثریت افراد يك ملتی بدان فضیلتی آرایش یافتند آن ملت بزرگ و توانا میشود و سرارتقاء و توانائی او فقط داشتن همان خصلت است زیرا در اینصورت عزم انسان قوی و در صورت اتکاء بدیکری ضعیف میشود. مساعدتهائی که از خارج بشخص میرسد غالباً پشت کار و قوه مجاهدت او را ضعیف میکند زیرا در این حالت انسان موجبی برای سعی و کوشش نمی یابد مخصوصاً در صورتیکه مساعدتهای خارجی از حد لزوم تجاوز کنند در اینوقت بکلی اعصاب سست و روح عزم و قوه سعی در انسان مپمیرد

بهترین شرایع و قوانین غیر از این فایده‌ای ندارد که انسان را در زندگانی مختار و باو آزادی میدهد که بخویشتن تکیه کرده و زندگانی خود را اداره نماید ولی بشر همیشه خیال میکند که سعادت و آسایش او را قوانین تامین مینماید، نه رفتار و مساعی خود او، ازاینرو شرایع

(۱) جون ستواتر مل Mell یکی از فلاسفه مشهور انگلیس است ۱۸۰۶ - ۱۸۷۳

(۲) دزرائیلی Desraeti (اول یکنسفید دزرائیلی) یکی از مشهورترین رجال سیاست انگلیس است که ملقب به «کیر» نیز میباشد (۱۸۵۴ - ۱۸۸۱)

وقوانین را علت تقدم خود دانسته و اصلاح همه شئون خود را از آن منتظر است. اما امروز تقریباً این نظریه تعمیم پیدا کرده است که قوانین غیر از این فایده‌ای ندارد که بمرحوم آزادی و امنیت جانی و مالی میدهد تا بتوانند یکسب و کار خود مشغول شوند. قوانین و شرایع خوب، در تحت اراده زمامداران لایق و با کفایت، فقط با افراد اجازه میدهد که از نتیجه زحمات خود استفاده کنند، اما دیگر تنبل را فعال و ساعی و مسرف را مقتصد؛ و نادان را دانا نمیکند، هر قدر هم عادل و خوب باشد. تعدیل زندگانی افراد و ترقی آنها منوط بهمت و اعمال خود آنها و داشتن خصائلی است که در این کتاب ذکر خواهد شد.

حکومت هر ملتی يك نمونه ای است از اخلاق و عقلیات افراد آن ملت و يك تناسب کاملی مابین آن دو لازم است. لذا اگر بلند تر و مرتقی تر باشد تنزل خواهد کرد و اگر نازلتر باشد ترقی خواهد کرد تا بحد متوسط ادراکات ملت خود برسد. حکومت هر ملتی دارای اخلاق عمومی همان ملت است هر طوری که اخلاق ملت مقتضی است حکومت هم بهمان شکل است. تجربه نشان داده است که قوه و اقتدار ملل بیشتر مربوط بروحیات و اخلاق افراد آنهاست نه حکومت و دولت آنها و همچنین، تمدن هر ملتی فقط عبارت از ارتقاء عقلی افراد آن ملت است. پس تقدم هر ملتی نتیجه مستقیم علم و سعی و ثبات افراد آن ملت و تاخر آن مولود گسالت و تنبلی افراد است. اگر قدری تعمق کنیم می بینیم مفاسد بانواعی را که نسبت بملت میدهیم در حقیقت مفاسدی است که در وجود یکعده از افراد آن متمکن است و اگر بوسائل قوانین بخواهیم از آن مفاسد جلوگیری کنیم بشکل دیگر و از گوشه دیگر سر بدر میاورد، تا وقتیکه اساساً روحیات و طبایع ملت تغییر نکرده باشد. پس بر وطن پرستانی که میخواهند وطن خود را اصلاح کنند لازم است که بجای اصلاح سیاست و قوانین و طرز حکومت آن، در صدد اصلاح افراد باشند و

افراد را برای اصلاح شئون زکاندنی خود قادر نمایند
 بعد از اینکه تقدم و ترقی هر شخصی منوط بکیفیت حکومت بر
 خویشان است دیگر طرز تسلط حکام اهمیت ندارد زیرا رقیت و بندگی
 اهواء و نفسیات بذاست؛ آنکسیکه بنده جهل خریشتن است بنده است. ملتی
 که باین طرز بندگی گردن نهاده است هیچ قسم تغییری در قوانین و در
 اشخاص و طرز حکومت نمیتواند اورا آزاد کند. اساس متین آزادی ملل متوقف
 بر اینست که هر فردی از افراد ملت موفق باصلاح شئون خود شده باشد
 تنها سند آزادی و استقلال ملل ترقی فردی است. (ستوارت مل) در این
 باب میگوید «استبداد هیئت حاکمه اینقدرها مضر نخواهد بود اگر افراد
 ملتی قائم بنفس و مستقل باشند» (ولیم دراکن) یکی از بزرگترین
 مدافعین استقلال ایرلند در اولین مجمع وطنی (دبلن) اظهار داشت
 هر وقت کلمه استقلال را شنیدم وطن و هموطنانم در پیش چشم مجسم شد
 و خیلی شنیدم که با مساعدت دیگران با استقلال خود نائل خواهیم شد
 اعتراف می کنم که من هم در آرزوی مساعدت دیگران بودم ولی امروز
 بشما میگویم که استقلال مادی و معنوی ما کاملاً مربوط بخود ماست. بعقیده
 من پرداختن ما بعلم و صنعت و استفاده از وسائل موجوده خود،
 ما را به تقدیمی نائل ساخت که قبلاً بدان نرسیده بودیم و مهمترین عامل
 تقدم ما این شد که تمام اتکاء خود را بمساعدت های خارجی نداده
 و بقوای ذاتی خود اهمیت دادیم و من یقین دارم اگر سعی و کوشش فعلی
 خود را دوام دهیم بزودی بسعدت و حریتی نائل میشویم که کمتر ملتی
 بدان درجه رسیده است

تقدم هر ملتی رهین سعی و جدیت هزارها افراد آن ملت است: کارگرا،
 زراع، صنعتگران، مستخرجین معادن، مخترعین، مکتشفین، مصلحین، شعراء
 فلاسفه و رجال سیاست. اعمال همه اینها مکنون تمدنی است و از مساعی
 مجموع آنها است که کمال مطلوب ملتی محقق و موجود میشود. تمدن ترقی

میکنند و بشریت دائماً رو به تکامل می‌رود و هر دوره‌ای برزحمت گذشتگان خود مساعی خود را اضافه میکند تا بنیاد تمدن بعظمت کنونی می‌رسد و همانطوریکه عمران و تمدن فعلی را از پدران خود ارث برده ایم نباید آنرا بدون تغییر و بدون ترقی و تکامل بایندگان واگذاریم

اعتماد بر نفس یکی از برجسته ترین خصائص ملت انگلیس است و عظمت فعلی آنها مرهون همین بک فضیلت است. وقتی بطبقه عالیه این ملت نگاه میکنیم می بینم از میان آنها افرادی بر خاسته است که در تاریخ دنیا کمتر نظیر داشته اند ولی تقدم انگلستان تنها مربوط بانها نیست و طبقات نازلتر و نازلتر که کم تر اسم آنها بر زبانهاست نیز در بنیاد این کاخ عظمت شرکت داشته اند. همانطوریکه در فتوحات بزرگ اسم فرماندهان و صاحب منصبان بزرگ سر زبانها است، در صورتیکه فتح و ظفر بواسطه افراد قشون بدست آمد. است، همچنین در جنگ زندگانی شهرت نصیب بک عده از برجستگان قوم است، در صورتیکه هزارها افراد بکه تاریخ آنها را فراموش کرده است در تولید این تقدم و پیشرفت شرکت داشته اند. بلکه میتوان گفت هر کسی که در سعی و پاکدامنی و استقامت سر مشق اقران خود شده است بهترین خدمتی بوطن خود کرده است زیرا سر مشق خوب بیش از هر علمی در روح بشر موثر است و چیزهایی را که انسان در کوچه و بازار و در زندگانی روزانه بدون اختیار از مردم یاد میگیرد خیلی بیشتر و موثرتر از تمام علوم است در حیات افراد. علم زندگانی و سلوک، علم نهائی است که بر هر فردی لازم است آنرا تکمیل نماید تا بتواند عضو مفیدهیئت اجتماعی باشد. (شالر) آنرا علوم جنس بشری نامیده است زیرا آن علم سلوک و معاشرت و ارتزاق و خلاصه علم تحصیل آن چیزهایی است که انسان بواسطه آن میتواند در جامعه خوب زندگانی کند. این قسم از علوم را در مدرسه بانسان یاد نمیدهند و در کتب موجود نیست (باکون) میگوید تمام فایده علوم این است که انسان را بحکمتهای بالاتری دلالت میکند